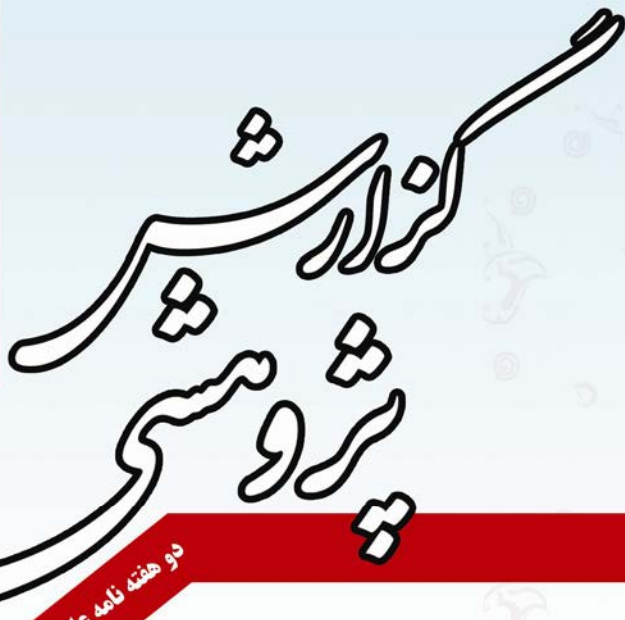




جمهوری اسلامی ایران
قوه قضائیه
سازمان بازرسی کل کشور



دو هفته نامه علمی / تحلیلی سازمان بازرسی

کنترل فساد اداری در بخش دولتی و ارائه
مدل راهبرد جامع پیشگیری از فساد در ایران

۳۴



معاونت برنامه ریزی و مدیریت منابع
مرکز پژوهش و برنامه ریزی
معاونت پژوهشی
فروردین ۱۳۹۰



گزارش پژوهشی

سال چهارم، شماره ۳۴، فروردین ۱۳۹۰

کنترل فساد اداری در بخش دولتی و ارائه مدل
راهبرد جامع پیشگیری از فساد در ایران
حمیدرضا مقدسی و رستم فرهادی

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور
مدیر مسئول: حسن صفرخانی
دبیر تحریریه: دکتر نوروز هاشم زهی
مدیر اجرایی: حسین قلجی
طرح جلد: مجید مقصودی

معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع

مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی

معاونت پژوهشی

تلفن: ۶۱۳۶۲۰۳۲

مطالب مندرج در این گزارش پژوهشی نشانگر دیدگاه نویسندگان آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد.
کلیه حقوق مربوط به سند حاضر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور بوده و هرگونه انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیر مجاز می‌باشد.

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۱
- مقدمه؛ فساد و راهکارهای کنترل آن ۲
- ۱- هزینه های فساد ۵
- ۲- اهمیت پیشگیری از فساد ۸
- ۳- نظام سلامت ملی و کنترل فساد ۹
- ۴- راهبرد جامع پیشگیری از فساد برای جمهوری اسلامی ایران ۱۲
- ارتقاء پاسخگویی سیاسی ۱۴
- تقویت جایگاه آموزه های دینی ۱۷
- تقویت مشارکت مردمی ۱۸
- تقویت نقش رسانه ها ۱۹
- ایجاد بخش خصوصی رقابتی ۱۹
- ساز و کارهای نهادی ناظر بر قدرت ۲۱
- اصلاح مدیریت دولتی ۲۳
- نتیجه گیری ۲۸
- منابع ۳۰

پیشگفتار

فساد در تعریف معمول عبارتست از استفاده از قدرت دولتی برای کسب منفعت شخصی یا گروهی. روشن است که، کنترل و مبارزه با فساد مزایای بسیاری مانند رشد، توسعه، کارآیی و کارآمدی را نصیب جامعه می‌کند. از این رهگذر، در تمام کشورها شیوه‌های متفاوتی برای کاهش فساد مطرح شده که برخی موفق و برخی ناموفق بوده‌اند. در این بین، مهمترین عنصر و شاید بتوان گفت زمینه و بستر این مبارزه، تدوین یک راهبرد ملی مبارزه با فساد است که باعث نظام‌مند شدن و ساختارمند شدن مبارزه با فساد شده و حتی از بروز آن جلوگیری می‌کند.

گزارش پژوهشی حاضر سعی دارد به این مهم یعنی الگویابی برای یک راهبرد جامع مبارزه با فساد، همت گمارد و مدعی است برای تدوین راهبرد ملی پیشگیری از فساد در ایران می‌توان هفت بعد کلیدی را مد نظر قرار داد که تقویت و مدیریت اثر بخش آنها از طریق تدوین و اجرای برنامه‌ها و طرحهای گوناگون در هر بعد می‌تواند از بروز فساد جلوگیری کند.

حسن صفرخانی

رئیس مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی

مقدمه؛ فساد و راهکارهای کنترل آن

برای اینکه طرحها و برنامه های مدیریت فساد اداری در کشور موثر واقع شوند باید رویکردی جامع نگر در پیش گرفته و از جزئی نگری و نگاه جزیره ای به ریشه کن کردن فساد پرهیز کرد.

در طول چند سال اخیر، برنامه های ضد فساد در ایران عمدتاً بر اصلاح مدیریت دولتی و مدیریت امور مالی عمومی متمرکز بوده اند. اما این برنامه ها چندان موثر واقع نشده اند و به نظر اندیشمندان و اندیشه ورزان و حتی عامه مردم فساد اداری در ایران بیش از پیش افزایش یافته است. شاید بتوان گفت ریشه های فساد اداری فراتر از توان و ظرفیت دولت و مدیریت دولتی بوده است. تا جایی که روابط ساختاری عناصر کلیدی در جامعه از جمله سازماندهی درونی نظام سیاسی، رابطه حکومت و شرکتهای خصوصی و روابط بین حکومت و جامعه مدنی را نیز در برمی گیرد.

تجارب افراد (تن ۱۹۹۵؛ رایلی ۱۹۹۸؛ و حق و مول ۲۰۰۱) در کشورهای گوناگون نشان می دهند که مدل منحصر به فردی در دست نیست که بتوان بر اساس آن روابط فوق را چنان ساختار بندی کرد که خطرات بروز فساد به حداقل برسند. بنابراین، شیوه های متفاوتی برای کاهش فساد مطرح شده اند، از آنجا که تدوین راهبرد ملی پیشگیری از فساد، به کنترل فساد اداری سرعت می بخشد و در صورت اجرای آن مبارزه با فساد ضروری نمی شود؛ بلکه پیشاپیش از بروز آن جلوگیری می شود.

برای تدوین راهبرد ملی پیشگیری از فساد اداری در ایران می توان هفت

بعد کلیدی را مد نظر قرار داد که تقویت و مدیریت اثر بخش آنها از طریق تدوین و اجرای برنامه ها و طرحهای گوناگون در هر بعد ممکن است از بروز فساد جلوگیری کند. این هشت بعد اصلی راهبرد ملی پیشگیری از فساد اداری به شرح زیر است:

۱. پاسخگویی نظام سیاسی کشور
۲. مشارکت مردمی
۳. بخش خصوصی رقابتی
۴. مدیریت دولتی مردم سالار
۵. ساز و کارهای نهادی
۶. آموزش اثر بخش آموزه های دینی
۷. تقویت نقش رسانه ها

پس از تشریح مولفه های هر یک از ابعاد هشت گانه با این نتیجه دست می یابیم که برای کاهش هزینه های کنترل فساد و رسیدن به نتایج بهتر چه بسا تدوین راهبرد ملی پیشگیری از فساد اداری در کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر تصور شود، اما پیش از تشریح این مولفه ها، لازم به نظر می رسد که قدری پیرامون معنای فساد و نظریه های کنترل فساد اداری صحبت شود تا محمل مناسبی برای بررسی اجزای راهبرد ملی پیشگیری از فساد فراهم شود.

فساد به سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منابع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی (خواه سیاست مداران و خواه مستخدمان کشور) است که در آن به طور نادرست و غیر قانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی محول شده به آنها خود و نزدیکانشان را غنی می سازند (استپن هارست ولانگست ۱۹۹۷:

می توان فساد را در دو مقوله کلی زیر تقسیم کرد:
الف) فساد جزئی: به افزون خواهیهای جزئی اشاره دارد که کارکنان دولت بر اثر پایین بودن حقوق و دستمزدشان برای پرداخت هزینه های خانواده خود از شهروندان دریافت می کنند؛

ب) فساد کلان: توسط آن دسته از مقامات عالی رتبه دولتی صورت می گیرد که زمینه انعقاد قراردادهای دولتی بزرگ تصمیم گیری می کنند. فساد در همه کشورها صرف نظر از میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی رخ می دهد، ولی معمولاً فساد در جایی رخ می دهد که بخش دولتی و بخش خصوصی با یکدیگر ملاقات می کنند؛ به ویژه در جاهایی که مقامات دولتی مسئولیت مستقیم عرضه خدمات عمومی یا اعمال مقررات خاصی را بر عهده دارند، برای وقوع فساد، عناصر زیر باید وجود داشته باشند: مقام دولتی، نوعی منفعت (پول یا هر نوع منفعت دیگر) که نصیب آن مقام دولتی می شود(کلیتارد ۱۹۹۱). این امر ممکن است در دو حالت زیر رخ دهد:

۱. در حالتی که خدمات و قراردادها براساس قانون و مقررات عرضه می شوند.

۲. در حالتی که مبادله ها بر خلاف قانون و مقررات صورت می گیرند.

در حالت نخست، مقام دولتی برای انجام دادن چیزی پول دریافت می کند که به طور معمول ملزم به انجام دادن آن بر اساس قانون است؛ در حالت دوم مقام دولتی برای انجام دادن چیزی (مثل تضمین برخی از قراردادهایی که به طور قانونی نمی تواند آنها را تضمین کند) رشوه می

گیرد که از نظر قانون مجاز به انجام دادن آن نیست (هیوستد ۱۹۹۴: ۱۸).

اهمیت و تاثیر فساد در جهان بسیار متفاوت است. غالباً این چنین مطرح می شود که فساد بخشی از فرهنگ کشورهاست. مع الوصف، این واقعیت که افرادی در کشوری خاص ممکن است با برخی تقاضاها (مثلاً، برای صدور مجوز یا اعطای پروانه) رشوه های کوچک را به مقامات دولتی تحمیل کنند، ضرورتاً دال بر آن نیست که آنها رشوه دهی را تأیید می کنند؛ این موضوع چه بسا حاوی این نکته باشد که چنین مردمی این رشوه های کوچک را عملی ترین راه کسب چیزهایی می دانند که می خواهند یا نیاز دارند.

در برخی از موارد، فساد شاید تجلی رفتارهای تحمیلی بر یک فرهنگ از طریق نفوذهای بیگانه باشد. بعنوان مثال اگر چه برخی از کشورهای آسیایی نماد فساد اداری اند، لیکن تاریخ دانان متذکر شده اند که پدیده ریشه در دولتهای استعمارگر گذشته حاکم بر آنها دارد. (سایواواش ۱۹۷۳) در برداشتها و شیوه های عمل فساد بین کشورهای گوناگون نیز تفاوتهای معناداری دیده می شود. با این دهه، فساد هزینه هایی در بردارد که توجه به آنها ضروری است (نونان ۱۹۸۴).

۱- هزینه های فساد

پژوهشهادار کشورهای گوناگون نشان می دهد که فساد در بین کشورها و حتی در بین بخشهای درونی هر کشور متفاوت است. زمینه بروز فساد در برخی از نهادهای دولت (مانند گمرک و سازمان امور مالیاتی) از سایر نهادهای آن بیشتر است. همچنین، پژوهشها نشان می دهند که در

جاهایی که فساد مزمن هست هزینه ناعادلانه هنگفتی بر کسب و کارهای کوچک تحمیل می شود. مهم تر اینکه سنگین ترین هزینه ها نوعا در خود رشوه ها نهفته نیستند، بلکه اساسا در تخریب پایه های اقتصادی نهفته اند که رهاوردهای این رشوه ها هستند(رز و اکرم ۱۹۹۶).

وقتی الگویی از رشوه خواری در کشوری نهادینه شود مقامات دولتی فاسد برای افزایش میزان رشوه های مورد تقاضای خود از انگیزه لازم برخوردار و برای دریافت رشوه های بیشتر به راهکارهای دیگری متوسل خواهند شد. برای مثال، ممکن است عرضه خدمات را برای شهروندان تا زمانی که رشوه پرداخت نکنند به تعویق بیندازند؛ ممکن است برای رشوه های کلان و مخفی نگهداشتن آن، یک برنامه کلان تدارکات دولت در مقیاس بزرگ طراحی کنند که متضمن خرید تجهیزات بسیار تخصصی و یا شخصی باشد؛ یا ممکن است برای دادن اطلاعات محرمانه درباره مناقصه ها یا پروژه های خصوصی سازی، رشوه هایی دریافت کنند. بدیهی است که همه این هزینه ها خطر بزرگی را بر جامعه تحمیل می کنند. بنابراین، هزینه های متعددی بر فساد مترتبند. صاحب نظران (تنزی و داوودی ۱۹۷۷) استدلال می کنند که فساد، به علت تاثیرش در تخصیص منابع، در تولید و مصرف اثرگذار است. همچنین رشوه نوعی مانع برای ورود به عرصه تولید و خدمات است و شرکتهایی که رشوه دهند نه فقط انتظار دارند که قراردادها پروژہ خصوصی سازی را از آن خود سازند، بلکه توقع دارند که منابع آتی را نیز به شکل یارانه، انحصارگری در بازار و اهمال کاری در اجرای رویه های قانونی به دست آورند. سطح رشوه گیری و رشوه دهی بسیار بالا می رود، چه بسا معافیتها یا عملیاتی

که قصد خصوصی سازی آن را داریم به کارآمدترین پیشنهاد دهندگان تخصیص نیابند. پروژه ها ممکن است آنچنان بزرگ و تخصصی و در عین حال از نظر فنی بسیار پیچیده باشند که بتوان رشوه گیری را در آنها به راحتی مخفی کرد. اگر پیمانکاران به مقامات دولتی رشوه دهند، این مقامات به آنها اجازه می دهند تا الزامات ایمنی و رعایت مقررات را نادیده گیرند. فساد نیروی کار را از فعالیتهای مولد و غیر فسادزا دور می کند. همچنین، فساد در الگوهای استخدام و ارتقا نیز تاثیر می گذارد مثلا کارآمدترین کارکنان ممکن است استخدام نشوند و کسانی که پست دولتی دریافت می کنند ممکن است افرادی ناشایست و نالایق باشند. اگر کارکنان بالقوه کارآمد از رقابت برای تصاحب پستهای دولتی دلسرد شوند، این وضعیت بدتر خواهد شد، زیرا انرژی و نیروی کارکنان به سمت فعالیتهای فساد آور می رود و بدین ترتیب آنان از فعالیتهای ارزشمند اجتماعی روی گردان می شوند. در نتیجه فساد رفاه کلی عامه مردم را تقلیل می دهد. پژوهشهای اخیر در زمینه اقتصاد سنجی حاکی از وجود نوعی همبستگی منفی بین سطوح بالای فساد و رشد اقتصادی اند. مطالعات موردی در جهان نشان می دهند که رشوه ها می توانند هزینه ها را افزایش و کیفیت پروژه های عمومی را کاهش دهند (مارو ۷۱۳:۱۹۹۷). در یک محیط فاسد، منابع به سمت عرصه های نامولد (مانند پلیس، نیروهای انتظامی و نظامی و دیگر سازمانهای کنترل اجتماعی) می روند چون نخبگان سیاسی به حفظ خود و مقام و ثروت مادی خود می اندیشند. منابع ارزشمند اجتماعی - اقتصادی به هزینه های امنیتی تبدیل می شوند. بدین ترتیب این امر به تضعیف نهادهای بازار می انجامد، چون افزونه خواهی (به جای سرمایه گذاری) به هدف

اصلی سیاست گذاران تبدیل می شود (وید ۱۹۸۲ و رابلین ۱۹۸۲:۳۱۵).

۲- اهمیت پیشگیری از فساد

همه ما از شیوع فساد به شدت نگرانیم، زیرا فساد نوعی ویروس مستعد برای فلج کردن دولت‌ها، بی اعتبار کردن نهادهای عمومی و شرکتهای خصوصی است و اثرویرانگری در حقوق انسانها در جوامع دارد و بدین ترتیب جامعه و توسعه آن را نابود می کند و فقر تقویت می کند (اعلامیه نهایی دومین اجلاس جهانی) (شلیفر و ویشنی ۱۳۴:۱۹۹۳).

بی تردید، فساد در بسیاری از ابعاد جامعه تاثیر منفی می گذارد (رزو اگرمن ۱۹۹۶ و بکر ۱۹۹۴) محورهای اصلی تاثیر گذاری در جامعه را می توان در قالب گزاره های زیر مطرح کرد:

- فساد به فقرا آسیب میرساند. مطالعات گوناگون (به نقل از شلیفر ۱۹۹۳ و مارو ۱۹۹۷) نشان میدهند که فساد یک متغیر بسیار کلیدی در معادله توسعه اقتصادی بشمار می رود. فساد موجب وخیم شدن وضعیت فقر و نابرابری درآمدها می شود، هزینه های مدیریتی و مالی و انجام دادن کسب و کار را افزایش میدهد، نرخ سرمایه گذاریها و رشد اقتصادی را پایین می آورد، و نهایتاً مردم سالاری و نمایندگی را مخدوش میکند. در نتیجه، اقتصاد را سست کرده و فقر را به طور گسترده افزایش می دهد.
- مبارزه با فساد فقر را کاهش و توسعه اقتصادی را ارتقاء می دهد. اگر چه فساد آثار منفی متعددی دارد، لیکن کنترل آن مزایای زیادی نصیب جامعه می کند. در کشورهایی که فساد کنترل می شود شاخصهای اجتماعی - اقتصادی اساسی نظیر سرمایه

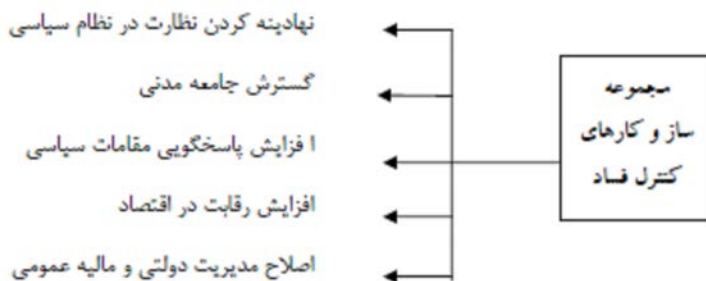
گذاری خارجی بیشتر، رشد درآمد سرانه بالاتر، مرگ و میر کمتر کودکان، مواد بالاتر، حقوق مالکیت قوی تر، افزایش رشد کسب و کار عملکرد بسیار مناسبی دارند. کنترل فساد سبب بهبودهای بسیاری در کیفیت زندگی کشورهای گوناگون می شود (فاینرلی و استوارت ۱۹۹۲؛ رایلی ۱۹۹۳ و دی اسپرایل ۱۹۹۵) از این رو، کنترل فساد کاهش فقر و ارتقاء توسعه اقتصادی را در پی دارد. بدون داشتن راهبرد اثربخش ضدفساد هیچ توسعه خاصی رخ نمی دهد.

- فساد کارایی شرکتها را کاهش می دهد. شرکتهای گوناگون بنابر علل متعددی در اعمال فساد آور دخیل اند. برخی از آنها فساد را صرفا هزینه انجام دادن کسب و کار می دانند و برخی دیگر رشوه را واقعا مقبول می دانند، زیرا کارایی را افزایش می دهد (گرابوسکای ۲۰۰۰ و گلد ۱۹۹۱). در عین حال پژوهشهای اخیر نشان میدهند که شرکتهایی که برای گرفتن امتیازات یا قرارداد، رشوه می دهند واقعا کارآمد نیستند، زیرا حجم عظیمی از تلاشهای خود را صرف مذاکره با دیوان سالاریها می کنند و هزینه سرمایه ای بالاتری متحمل می شوند (آدس ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹:۳۲۵).

۳- نظام سلامت ملی و کنترل فساد

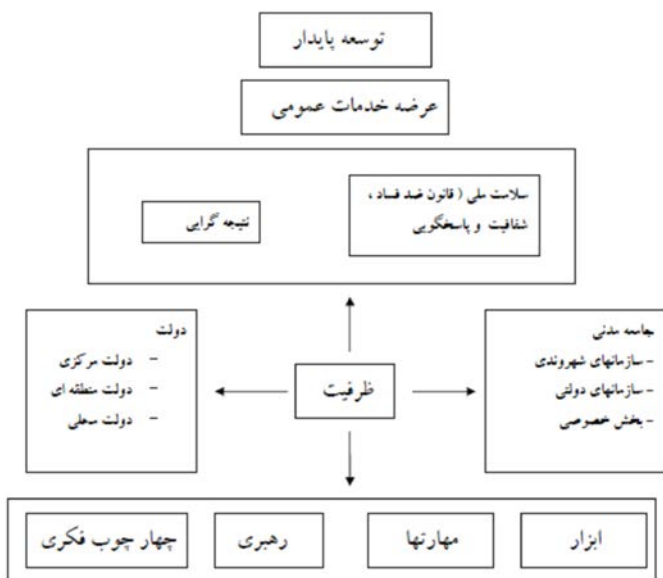
برای کنترل مظاهر و علل فساد، مجموعه های گوناگونی از برنامه ها، ابزار و خط مشی ها بنابر نوع کشور تدوین کرده اند. بنابراین، ادبیات گسترده ای (رایلین ۱۹۸۲، وید ۱۹۸۲ و استراوسمن و زامی ۲۰۰۱) در این

زمینه در دست است که با بررسی آن محورهای زیر بیشتر به چشم می‌خورند.



در موضوع اول، تقویت نظام قضایی و ارتقای تمرکز زدایی در دولت، در موضوع دوم پرورش مطبوعات آزاد، آزادی اطلاعات و تاسیس انجمنهای گوناگون در محور سوم ایجاد نظام شفاف سازی داراییهای کارگزاران و مسئولان عالی رتبه دولتی و تعیین نحوه تامین مالی بودجه احزاب، در محور چهارم شکستن انحصارها و تقویت نهادهای تنظیمی، و در محور پنجم برقراری نظام خدمات کشوری شایسته سالار و انضباط مالی محورهای اصلی اند. در کنار این موضوعهای پراکنده یکی دیگر از رویکردهای مبارزه با فساد برقراری «نظامهای سلامت ملی» است.

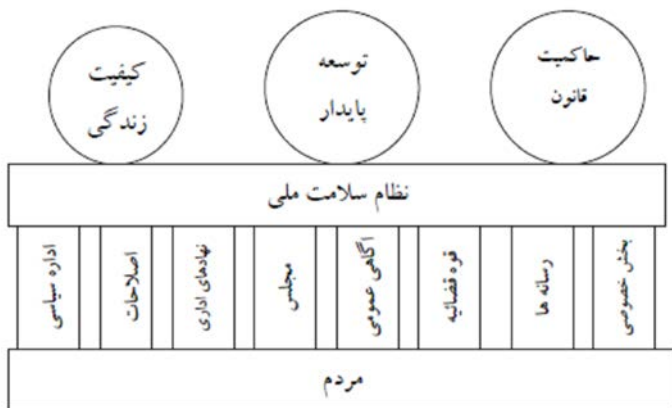
بر این اساس، برخی از صاحب نظران ارتقای سلامت ملی را راه پیشگیری از فساد می‌دانند. سلامت ملی متضمن ارتقای سلامت نفس جامعه است که به ره آوردهای مطلوبی برای کلیت جامعه می‌انجامد. شکل زیر مدلی برای ارتقاء سلامت ملی را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مدلی برای ارتقاء سلامت ملی

همراه با این مدل ارتقاء مدل‌هایی نیز در بانه عوامل اصلی شکل دهنده نظام سلامت ملی پیشنهاد شده اند که شکل زیر یکی از این مدلها را ارائه می دهد. این شکل نشان می دهد که برای ارتقاء سلامت نظام ملی توان این هشت رکن را در نظر گرفت: اراده سیاسی، اصلاحات اداری، نهادهای نظارتی، مجلس، آگاهی عمومی، قوه قضائیه، رسانه ها و بخش خصوصی. این هشت رکن به هم وابسته اند. اگر یکی از این ارکان دچار ضعف شود، بار اضافی بر دوش رکن دیگر وارد می گردد. اگر چند رکن تضعیف شوند، توسعه پایدار، کیفیت زندگی و حاکمیت قانون دچار رکود می شوند. نهایتاً اگر این هشت رکن را مردم پایش کنند و دچار ضعف نشوند، نظام

سلامت ملی شکل خواهد گرفت و حاکمیت قانون، توسعه پایدار و کیفیت زندگی ارتقاء خواهند یافت.



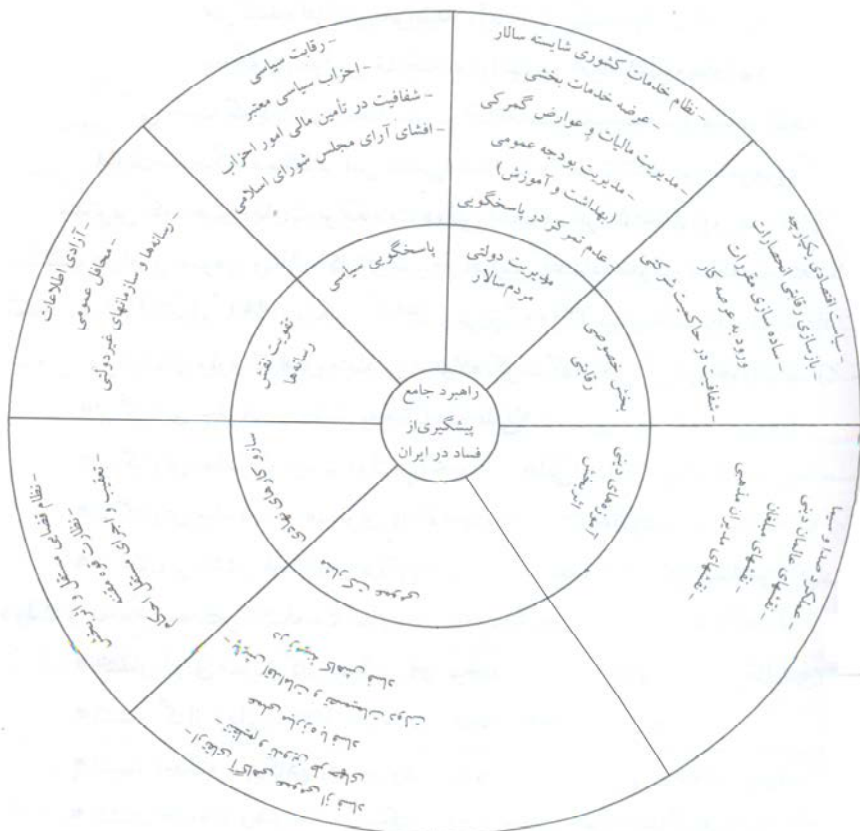
شکل ۲- ارکان هشت گانه نظام سلامت ملی منبع: (استین هارست و لانگست ۱۹۹۷: ۳۱۲)

۴- راهبرد جامع پیشگیری از فساد برای جمهوری اسلامی ایران

ادبیات گسترده پیشگیری مبارزه و کنترل فساد (در همه انواع) علاوه بر مزیت تنوع راه حلها، نوعی سردرگمی در مفاهیم نیز ایجاد کرده است، اما نگارنده با مطالعه این ادبیات و نگاه به نظام سلامت ملی، که اصلاح مدیریت دولتی ایران فساد ریشه کن نمی کند، بلکه عوامل کلیدی دیگری نیز هستند که در صورت تقویت آنها نظام کلان مدیریتی کشور می تواند از فساد پیشگیری می کند، و در نتیجه، مقوله مبارزه و حتی

کنترل فساد را کم رنگ تر کند.

با توجه به نظام سیاسی خاص کشور ما که قانون اساسی، و سایر قوانین کشور بر ارزشهای دین اسلام استوارند، «پاسخگویی مدیران نظام سیاسی» و آموزه های اصیل دینی «به ویژه نهادینه کردن اصل امر به معروف و نهی از منکر» می توانند، در کنار سایر مولفه ها، دو عامل اصلی «راهبرد پیشگیری از فساد» باشند لذا، با مدنظر قراردادن این مولفه راهبرد جامع پیشگیری از فساد در کشور و اقدامات آن راهبرد را می توان بشرح شکل زیر اصلاح نمود.



شکل ۳- راهبرد جامع پیشگیری از فساد در ایران

ارتقاء پاسخگویی سیاسی

نخستین رکن راهبرد پیشگیری از فساد در کشور افزایش پاسخگویی رهبران سیاسی است. به عبارت دیگر پاسخگویی سیاسی به محدودیتهایی اشاره دارد که توسط سازمانها و ذی نفعانی که قدرت اعمال مجاز دارند بر رفتار متصدیان امور عمومی تحمیل می شوند.

(گارتی ۱۹۹۰:۴۶۷). بنابراین به موازاتی که پاسخگویی سیاسی افزایش می یابد هزینه اتخاذ آن دسته از تصمیمات سیاسیون، که به بهای منفعت عامه منافی نصیب آنها می کنند، افزایش می یابد. بی تردید، پاسخگویی سیاسی تا حد فراوانی بر اثربخشی مجازاتها و ظرفیت نهادهایی متکی است که در برابر نظارت بر اقدامات، تصمیمات و منافع خصوصی سیاستمداران پاسخگو هستند. بر این اساس، شفافیت از طریق تفحص عمومی یکی از قدرتمندترین گونه های نظارت بر مقامات دولتی است (بزایر ۲۰۰۵) اهل فن در زمینه شفافیت در امور عمومی و تاثیر کلیدی آن در افزایش اعتماد عمومی مطالعات متعددی انجام داده اند (کاترل ۱۹۹۹ و بروز ۲۰۰۰) برای دستیابی به شفافیت سیاسی می توان از سازو کارهای متفاوتی استفاده کرد، برخی از آنها عبارت اند از:

- برگزاری جلسات مجلس بصورت علنی؛
 - برگزاری جلسات هیئت دولت بصورت علنی؛
 - برگزاری جلسات دادگاهها ی مفسد اقتصادی بصورت علنی؛
 - از میان برداشتن فعالیتهای دلالی سیاسی در مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
 - انتشار آرای نمایندگان مجلس در موضوعات کلیدی و حتی غیر کلیدی؛
 - انتشار گزارشهای سالانه سازمانها و مجموعه های دولتی؛
 - انتشار احکام دادگاهها در موارد کلیدی موثر در منافع جامعه؛
 - افشای هدایا و رشوه ها به کمک مردم بر اساس قانون افشاگری.
- برای تقویت و پرورش شفافیت سیاسی (بالکین ۱۹۹۹)، علاوه بر سازو کارهای مطرح شده در بالا، میزان رقابت سیاسی در فرایند انتخابات

(شوراهای شهر، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان هبری. . .) از اهمیتی بسیار برخوردار است وجود رقابت در چنین عرصه هایی این احتمال را افزایش می دهد که داوطلبان و احزاب گوناگون در پی افشای فساد در دولت رقیب برآیند و سیاست مداران را در برابر عملکرد ضعیف خود، در زمینه سطوح بالای فساد ملزم به پاسخگویی به شهروندان کنند. البته این رقابت باید مبتنی بر اصول پذیرفته یا آنچه از آن با عنوان قواعد منصفانه بازی یاد می شود و نظر به اینکه کشور بر اصول دین اسلام استوار است باید در رقابت سیاسی موازین شرع و قانون را با دقت بیشتری مدنظر قرارداد، زیرا رقابت سیاسی افراطی و مخرب می تواند به بی ثباتی در نظام سیاسی بینجامد (کاترل ۱۹۹۹). در واقع با فرض پایبندی به قانون اساسی باید در عرصه رقابت سیاسی فعالیت کرد. در غیر اینصورت، رقابت سیاسی افراطی می تواند ظرفیت حکومت را مخدوش کرده و شرایط ویژه ای برای تشویق فساد اداری فراهم کند. زمانی رقابت سیاسی در ارتقای پاسخگویی اثر بخش تر است که در قالبهای مشخصی سازماندهی شود، به گونه ای که بتوان از آن طریق ذی نفعان بیشتری را با اتکا بر احزاب سیاسی و گروههای ذی نفع مبتنی بر توده مردم بسیج کرد تا آنها بدین طریق تقاضاهای جمعی خود را به رهبران سیاسی ابراز دارند.

پاسخگویی لازم نیست بر ذی نفعان خارجی و فشارهای رقابتی استوار باشد در حقیقت، در بسترهای خاص، چنین سازوکاری درون دیوان سالاریها دولت به کمک تدوین منشورهای اخلاقی، نظم دهی به دلایلهای سیاسی ممنوع کردن تعارض منافع و افشای اجباری و قانونی درآمدها و داراییها نیز فراهم می شوند. برای موفقیت چنین رویکردی،

تضمین مجازات معتبر و نظارت داخلی اثربخش بر رفتار دیوان سالاری موضوعی اساسی و کلیدی است (بزایر ۲۰۰۵)

تقویت جایگاه آموزه های دینی

آموزه های دینی در صورتی به کلیدی ترین رکن راهبرد پیشگیری از فساد تبدیل می شوند که به گونه ای مناسب و مطلوب و با ابزارها و الگوهای مناسب در اذهان قشرهای جامعه تزریق شود. به همین علت امروزه در بیشتر دانشگاهها و در بیشتر رشته ها، اصول اخلاقی را در قالب واحدهای درسی به دانشجویان آموزش می دهند (کندی ۱۹۹۲). چنانچه شرایط زیر فراهم شوند، آموزه های دینی کشور، که در قرآن، نهج البلاغه و سایر منابع اسلامی به چشم می خورد، به یکی از ارکان پیشگیری از فساد تبدیل می شوند:

- ۱ - افرادی که امروزه در جامعه ما آموزه های دینی را ترویج می کنند خود عامل به آنها باشند؛
- ۲ - از فنون و ابزاری بهره بگیریم که بتوانند باور به ورودی از فساد را در اذهان افراد شکل دهند؛
- ۳ - رسانه ملی کشور، سازمان صدا و سیما، سیاست فرهنگی کشور را به گونه ای مناسب تحت پوشش قرار دهد.
- ۴ - عالمان دینی به نقش کلیدی خود در اصلاح جامعه یقین داشته باشند.
- ۵ - مدیران قشر روحانی به عملکرد سازمانی و فردی خود حساسیت بیشتری نشان دهند.

تقویت مشارکت مردمی

سازمانهایی (نظیر گروههای شهروندی، سازمانهای مردم نهاد، اتحادیه های تجاری، انجمنهای بازرگانی، هسته ها و کانونهای اندیشه و تفکر و سازمانها و هیئتهای مذهبی) که تجلی و نمودی از جامعه مدنی اند، در مقام واسطه بین حکومت و عامه مردم و ناظر بر کیفیت حاکمیت نقش مهمی در محدود کردن فساد ایفا می کنند (بلر ۲۰۰۴؛ لوریان؛ ۲۰۰۴: ۱۹۴) فعالیتهای این سازمانهای مدنی حول سه محور کلیدی صورت پذیرند:

- ۱ - آگاه کردن عموم مردم از فساد؛
 - ۲ - تنظیم طرحهای عملی برای مبارزه با فساد؛
 - ۳ - پایش اقدامها و تصمیمهای دولت در زمینه کاهش فساد.
- برای افزایش آگاهی عمومی، سازمانها غالباً می توانند از نظر سنجیها درباره فساد و نحوه عرضه خدمات استفاده کنند. برگزاری گردهماییها، همایشها و کارگاهها در عمومی سازی اطلاعات مربوط به الگوها و شدت فساد و نیز تدوین برنامه های اجرایی موثر است. برنامه های این سازمانها و تلاشهای آنها برای تاثیرگذاری در قوانین، که در مجلس شورای اسلامی و سایر مراجع قانون گذاری تصویب می شوند، به کنترل فساد کمک می کنند. همچنین، تلاش برای دستیابی به ابزارهای نهادی به منظور جلوگیری از فساد یا مجازات عاملان فساد از جمله فعالیتهای دیگر این سازمانهاست. تلاش برای اصلاح نظام قضایی و آزادی اطلاعات، حمایت از اصلاحات حقوق قضایی، از میان برداشتن قوانین دست و پا گیر بازرگانی، خصوصی سازی، و اصلاحات در نظام تدارکات دولت محورهای اصلی مداخله جامعه مدنی را تشکیل می دهند برخی از

فعالیت‌های نظارتی بر طرح‌های خصوصی سازی، اصلاحات تدارکات عمومی، تخصیص مسکن و اصلاحات و اصلاحات حقوقی متمرکزند. زمانی جامعه مدنی به نحو موثر عمل خواهد کرد که دولت آن را یک هم پیمان (نه یک دشمن) قلمداد کند.

تقویت نقش رسانه ها

رسانه های مستقل و حرفه ای با افشای سوء استفاده ها به بازبینی سطح فساد کمک می کنند. بر این اساس، رسانه ها نهاد عمومی کلیدی مبارزه با فساد تلقی می شوند. اگر چه بسیاری از کشورها بعضاً رسانه های آزاد و بازی دارند، ولیکن برخی از عوامل محدود کننده با مشارکت قدرتمند بالقوه رسانه ها را در مبارزه با فساد تضعیف می کنند(کاترل ۱۹۹۹ و بالکین ۱۹۹۹). بنابراین درهمه کشورها، رسانه ها یکی از ارکان اصلی جامعه مدنی قلمداد می شوند.

ایجاد بخش خصوصی رقابتی

اقتصاد دانان متعددی (پنفولد ۲۰۰۴ و شروپ ۲۰۰۵) از تاثیر ایجاد بخش خصوصی رقابتی در پیشرفت و توسعه کشور سخن گفته اند. بی تردید، برای داشتن اقتصادی قوی باید به بخش خصوصی قوی و با انگیزه ای داشت، هر چند میراث اقتصادی کشور توانایی ایجاد یک شبه چنین بخشی را ندارد. فرایند خصوصی سازی که بطور خاص از برنامه سوم توسعه آغاز شده است، بعضاً مورد شک و تردید قرار گرفته است، زیرا چنین تصور می شود که نقش آفرینان قدرتمند حکومتی برای کنترل بخشهای اساسی اقتصاد به تصاحب بخشهای کلیدی پرداخته اند. نظر به

اینکه انحصارات دولتی در غیاب یک چهارچوب تنظیمی مناسب خصوصی سازی شده یا در حال خصوصی سازی است، در برخی از موارد این چنین خصوصی سازی نه فقط سبب کارایی بیشتر نشده است، بلکه چون جزء انحصارات کلیدی دولتی است، سالانه بودجه عظیمی به صورت یارانه از دولت دریافت می کند که چیزی جز فساد در پی ندارد. بنابراین، برای ایجاد بخش خصوصی رقابتی، توجه به محورهای زیر اساسی است:

۱. سیاست اقتصادی یکپارچه: آزادسازی مدبرانه و عدم واگذاری انحصارات کلیدی دولتی که سبب تسلط افراد خاصی بر اقتصاد نشود و در عین حال به رونق اقتصادی کمک کند، زیرا پرداخت یارانه به این شرکتها سبب بروز فساد خواهد شد (پنفلد ۲۰۰۴).

۲. تقویت رقابت: شفافیت در تنظیم و اجرای سیاست اقتصادی برای مبارزه با فساد خصوصاً در حوزه های خصوصی سازی و مقررات بسیار اساسی و کلیدی است. بخش عمده ای از داراییهای حکومت، که دولت در پی خصوصی سازی آن است، عظیم است و بسیاری از آنها در بخشهای زیر ساختاری و منابع طبیعی قرار دارند. بنابراین، رقابت در انجام دادن چنین فعالیتهای حیاتی کشور مستلزم تدابیری سنجیده است تا سبب شود که منابع عظیم کشور به نحوی مناسب در جهت مصالح کشور، ولی از طریق بخش خصوصی مصرف شوند و این چنین نباشد که عده ای با افزونه خواهی و تکیه بر نیروهای داخلی و/ خارجی صرفاً جهت تسلط بر منافع کشور از یک طرف و دریافت یارانه در نظام اقتصادی کشور در این زمینه بسیار حساس است، زیرا این سازمان باید با نگاه منفعت عامه و نگاه صرف کارایی یا کوچک کردن غیر منطقی بار دولت

در این زمینه تصمیم گیری کند.

۳. خصوصی نکردن بخشهایی از دولت: این اجزاء بخشهایی هستند که حتی در کشورهای سردمدار خصوصی سازی هنوز دولتی اند (گریندل و هیلدبرند ۱۹۹۵: ۴۶۳ و کایدن ۱۹۹۹: ۸۱۴)، اما تنظیم مقررات صحیح و طراحی نظام ارزیابی عملکرد این فعالیتها، که در آنها رقابت کاملی به چشم نمی خورد، برای کاهش فساد بسیار ضروری و مهم است. برقراری نظام شایسته سالاری در انتصابها و به کار گیری افراد در پستهای کلیدی شرکتهای دولتی تدوین ساز و کارهای پاسخگویی و شفافیت در برابر عامه مردم، و انتشار گزارشهای عملکردی می توانند شرکتهای زیان ده دولتی را به بنگاههای کارآمدتر تبدیل کنند (بونینگر ۱۹۹۱).

۴. تشکیل انجمنهای بازرگانی: یکی از چالشهای فراوری کشورهای در حال گذار به طور اعم و کشور ما به طور اخص، یافتن راههایی است که به کمک آنها صاحبان منافع خصوصی متنوع بتوانند با یکدیگر به نحوی باز و شفافیت رقابت کنند. یکی از ساز و کارها، که غالباً در کشورهای در حال گذار نادیده گرفته می شود استفاده از انجمنهای کسب و کار جمعی به منزله ابزار مشروع برای ارائه و نمایش منافع جمعی در شکل دهی و تنظیم قانون و سیاست است. در کشورهایی که چنین انجمنهایی کمتر شکل گرفته اند، تبانی بیشتری میان بخش خصوصی و بخش دولتی، به نفع منافع خصوصی، و همچنین فساد اداری بیشتری به چشم می خورد (شروپ ۲۰۰۵).

ساز و کارهای نهادی ناظر بر قدرت

چارچوبهای نهادی حکومت می توانند ساز و کار مهمی برای کنترل،

بررسی و کاهش عوامل فساد باشند. به طور خاص، توسعه اثر بخش موانع نهادی درون حکومت به میزان تفکیک قوای سه گانه و ایجاد مسئولیتهای نظارتی ((میان بر)) میان نهادهای حکومتی وابسته است. محدودیتهای اثر بخش از طریق نظارت نهادهای حکومت بر یکدیگر می توانند فرصتهای سوء استفاده از قدرت را کاهش دهند، و در صورت وقوع سوء استفاده، مجازاتی بر ضد سوء استفاده کنندگان اعمال کنند. در واقع، یک دستگاه قضایی مستقل و بی طرف غالباً عامل مهم جلوگیری از سوء استفاده، فساد و سایر اعمال فساد آور است، زیرا اعتبار نهادهای دیگر (بعد از اعتبار از دیدگاه مردم) حکومت بر آن استوار است و در زمان مورد نیاز اعتبار این نهادها را به چالش می کشد (گریندل و هیلدبرند ۱۹۹۵).

در برخی از کشورها، سلسله مراتب حکومت به صورت حکومت مرکزی، استانداریها، فرمانداریها و بخشدارایهامی باشد. با این حال، تعویض قدرت از سطح مرکزی به سطوح فرعی حکومت می تواند در ایجاد موانع نهادی موثر باشد، اما تجارب برخی از کشورها نشان می دهد که تمرکز زدایی، در صورت فقدان ظرفیت و پاسخگویی اثر بخش، غالباً آسیب پذیری را در برابر فساد افزایش می دهد (کلی ۱۹۹۹: ۵۶۷). در بسیاری از کشورها فساد در سطوح فرعی ملی به صورت مشکلی جدی و حاد درآمده است. سازمانهای نظارتی مشتمل بر سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات، نیز می توانند نقش مهمی در کنترل، کاهش و مبارزه با فساد داشته باشند.

اصلاح مدیریت دولتی

بی تردید مدیریت دولتی در هر کشوری (از کشورهای سرمایه داری گرفته تا کشورهایی با اقتصاد مختلط و اقتصاد تقریباً دولتی) کلید پیشرفت یا پسرفت محسوب می شود (ماداگ ومورگان ۱۹۹۸ و کلی ۱۹۹۹: ۵۶۷). با وجود حضور مدیریت دولتی نوین در نظام اداری کشورها و از جمله ایران، همچنان تولید، توزیع و نظارت بر همه کالاها و خدمات عمومی را نمی توان به بخش خصوصی واگذار کرد، و از طرف دیگر، موفقیت خصوصی سازی در کشورها به واسطه وجود مجموعه مدیریت دولتی قوی و مدبر است که هم در سیاست گذاری و هم در اجرای سیاستهای دولتها در اجرای اهداف خصوصی سازی به طور موفق عمل نموده است. بنابراین، نظر به اینکه بازار در همه فعالیتهای جامعه نمی تواند و بعضاً نمی خواهد شرکت کند لذا، مدیریت دولتی که همان ((دولت در عمل)) است (نورا ۱۹۹۹)، همیشه و در همه حال متولی اجرای آنها خواهد بود، اما این مدیریت دولتی در یک بستر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی فعالیتهای خود را انجام می دهد (کایدن ۱۹۹۹: ۸۱۵).

در صورتی که بستر فوق به نحوی مناسب مهیا نباشد، مدیریت دولتی به خودی خود نمی تواند اثربخش و کارآمد باشد. بنابراین، فساد اداری، که خود را در مدیریت بخش عمومی متجلی می سازد، فی نفسه از طریق اصلاح مدیریت دولتی ریشه کن نمی شود، بلکه به عوامل دیگری نیز باید نگاه کرد که اصلاح آنها در کنار اصلاح مدیریت دولتی می تواند دیدگاهی کلی نگر برای مبارزه با فساد در کشور فراهم کند. بهبود امور مدیریتی مربوط به مدیریت دولتی یکی از موضوعاتی است که در اصلاح ساختار مدیریت دولتی کشور باید مدنظر قرار گیرد.

خاطر نشان می سازد دانشگاه محل تولید علم است و به کارگیری این علم در عمل همیشه برعهده دانشگاهیان نیست. کارگزاران باید از علم مدیریت دولتی و سایر علوم به فراخور اوضاع کشور و وضعیت اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی - فرهنگی آن استفاده مطلوب کنند. برگزاری جلسات تخصصی با گروههای مدیریت، مدیریت دولتی، اقتصاد و... در دانشگاهها؛ برگزاری میزگردهای ماهانه و سالانه در زمینه نوآوریهای دولت و خدمات عمومی و به طور کلی مدیریت دولتی؛ حضور کارشناسان در کناراستادان دانشگاهها در برگزاری دوره های مدیریت دولتی؛ و راه اندازی فصلنامه تخصصی مدیریت در بخش دولتی از جمله سازو کارهای تقویت جنبه تخصصی به شمار می روند. البته؛ نکته مهم دیگر این است که افرادی که متصدی مدیریت کلان می شوند افرادی علمی- اجرایی باشند که دانشگاهها رغبت پذیرش آنها را دارا باشند. با توجه به موارد فوق، می بایستی برای اصلاح مدیریت دولتی فعالیتهای زیر انجام گیرد:

۱. تقویت روح خدمت به عامه (بونینگر ۱۹۹۱ و کایدن ۱۹۹۹: ۸۳۰) در مدیران و مستخدمان دولتی از طریق تدوین شاخصهای نرم ارزیابی عملکرد (نظیر پاسخگویی، رضایتمندی و اعتماد). همه سازمانهای دولتی باید در پی کسب رضایت و اعتماد مردم باشند و برای اینکار باید پاسخگویی (اخلاقی، قانونی، مالی و...) را پیشه کار خود کنند (بروز ۲۰۰۲) باید قضاوت درباره سازمانهای دولتی را بر اساس قضاوت شهروندان از سه مقوله فوق انجام پذیرد و حتی پرداخت پاداشها، افزایش حقوق و دستمزد، و کسب رتبه در جشنواره ها را نیز بر اساس، شاخصهای فوق استوار گردد. در واقع

تاکید بر این شاخصها کانون توجه به سازمان، مدیریت و کارکنان سازمانهای دولتی را به سمت تحقق ((مردم محوری)) (داناتی فرد ۱۳۸۲: ۱۸۰-۱۴۹) در مدیریت دولتی می برد. به عبارت دیگر، کلید مدیریت در بخش دولتی کارایی محض نیست؛ کارایی در کنار سایر ارزشها نظیر اثر بخشی، عدالت و انصاف اهمیت دارد. چه بسا در برخی از موارد کارایی محور اصلی مدیریت در سازمانهای دولتی قرار نگیرد، بلکه اثر بخشی، عدالت و انصاف کانون توجه مدیریت قرار گیرد. بنابراین نکته اول در اصلاح مدیریت دولتی بسیار کلیدی است.

۲. اهتمام جدی برای برقراری نظام شایسته سالاری هم در مدیریت و هم در سطح عملیاتی سازمانهای دولتی از طریق تدوین قانون مدیریت در بخش دولتی، برچیدن نظام تاراج در مدیریت دولتی ایران پرهیز جدی از مدرک گرایی و روی آوری به آموزشهای خاص مدیریت در بخش دولتی از طریق در نظر گرفتن امتیازات خاص برای مدیران و کارکنان متصدی امور در بخش دولتی.

۳. بازنگری در تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی گری: تاکنون بخش اعظم سازمانهای دولتی (وزارت خانه ها و . .) برای تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی اقداماتی انجام داده اند و در قانون سوم برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی کشور به این مقوله اشاره شده است. اما به نظر میرسد که در واگذاری و خصوصی سازی وظایف تصدی گری نه فقط در برخی از موارد هزینه ها کاهش نیافته اند، بلکه علاوه بر مناسب تر نشدن نحوه عرضه خدمات هزینه های دیگری بر پیکره دولت تحمیل شده اند. نکته کلیدی این است که نخست تفکیک وظایف حاکمیتی و

تصدی برخی از وظایف دولت اقتضایی است و بنابر شرایط اقتصادی - سیاسی کشور متغیر است. بنابراین، بی دقتی در این زمینه موجب ایجاد جو نامطلوب در سازمانها می شود. دوم: در واگذاری وظایف، شرکتهایی عهده دار وظایف شده اند که متولیان آنها بعضاً از کارکنان، بازنشسته یا بازخریدهای این سازمانها هستند. سوم، وقتی شرکتی عهده دار وظایف تصدی گری یک سازمان دولتی می شود به نحوی با سازمان و مدیران همساز شده و از آن پس مدیران دولتی به سختی راضی می شوند که سالانه این شرکتها را تغییر دهند و وظایف را به شرکتهای دیگر واگذار کنند. بنابراین رقابت در واگذاری عملاً مشهود نیست و در نتیجه وضعیتی پیش می آید که تاکنون ما در سازمانهای دولتی می بینیم. بنابراین، باید قانونی تدوین شود که این معضلات را برطرف کند تا زمینه عرضه خدمات مناسب فراهم شود.

۴ - یکی دیگر از محورهای اصلی در مدیریت دولتی شفافیت و پاسخگویی در مدیریت مالی سازمانها و شرکتهای دولتی است. رویکرد بودجه بندی متعارف در این سازمانها و شرکتهای دولتی بنابر شرایط کشور چه رویکرد تدریجی گرای در سازمانهای دولتی بنابر شرایط کشور مناسب است، لیکن به علت فقدان برنامه ریزی (راهبردی و بلند مدت) سازمانهای دولتی اقلام بودجه ای را صرفاً براساس افزایش درصدی از بودجه گذشته تدوین می کنند و از این رویکرد همیشه پیروی می شود (حتی اگر استانی در زمینه های متفاوت در زمره شهرهای پیشرفته کشور باشد، بودجه آن حوزه ها همیشه با درصدی از افزایش همراه خواهد بود و در نتیجه شهرهای محروم همیشه محروم می مانند). شرکتهای دولتی در ایران، عمدتاً زیان ده هستند و سالانه از دولت بودجه هایی

دریافت می کنند. غیر از شرکتهایی که کالاهای عمومی تولید می کنند، لیکن سایر شرکتهای باید بر اساس محورهای کارایی، اثربخشی، بهره وری و بهنگامی در عرضه خدمات و کیفیت ارزیابی شوند و بودجه لازم را دریافت دارند. همچنین مافوق، مرئوسین و مردم باید به طور شفاف، از همه درآمدهایی که سازمانهای دولتی در زمینه های گوناگون به دست می آورند مطلع گردند.

از سوی دیگر، کلیه هزینه هایی که دولت در زمینه های دفاعی، امنیت داخلی و مدیریت بین الملل خود صرف می کند می بایست برای زدودن ظن و گمان و رفع بی اعتمادی تا حد امکان به اطلاع عامه برسد.

۵. ارتقای پاسخگویی و کنترل بیشتر هزینه های بودجه ای مستلزم حسابداری و حسابرسی قوی و داشتن نوعی فرایند قوی اجرای بودجه است. براساس تقویت جایگاه نظارتی سازمانهای نظارتی اعم از سازمان بازرسی کل کشور و... از طریق ارتقای دانش فنی، و تخصصی این سازمانها و تقویت ضمانت اجرایی تصمیمات این سازمانها تاثیر مهمی در ارتقاء پاسخگویی دارند.

۶. فساد در مدیریت مالیاتها و عوارض گمرکی درآمدهای کشور را کاهش میدهد و محیط بخش خصوصی را تخریب می کند و غالباً با جرم سازمان یافته و قاچاق گونه مرتبط می شود. ساده سازی سیاستهای مالی و تنوع در آنها؛ حذف معافیت اختیاری توسط ماموران مالیاتی و دستکاری مالیاتی واقعی؛ استانداردسازی فرمها و روبه های کار و شفاف سازی کلیه فرایندها، به صورت باز، بر خط و دستی و قرار دادن آنها در اختیار همه کسانی که با گمرک و عوارض گمرکی و مالیاتها سرو کار دارند و همچنین حذف تماس رو در رو بین مودیان و ماموران مالیاتی برای ازبین

بردن فساد بسیار مهم بوده و ضامن سلامت نظام های مالیاتی، مدیریتی بوده و به سادگی از طریق نظر سنجی های دوره ای از مودیان مالیاتی قابل پایش می باشد.

۷. فساد اداری می تواند به سطح کیفیت عرضه خدمات در سراسر بخشهای کلیدی کشور آسیب برساند. این امر عمیقاً ریشه در بخشهای دیگر کشور نظیر بخشهای انرژی و بهداشت دارد. برای حفظ کیفیت خدمات، علاوه بر رعایت بند ۱، باید گروهها و سازمانهای مردم نهاد در دوره های زمانی مشخص به نظر سنجی از شهروندان درباره کیفیت خدمات اقدام و نتایج را در روزنامه ها و سایر رسانه های جمعی منعکس کنند تا سازمانهای دولتی در حفظ کیفیت خدمات خود هوشیار باشند، زیرا نتایج این نظر سنجیها به شیوه های متفاوت در سرنوشت آنها تاثیر خواهد گذاشت.

بی تردید، ضعف در هر یک از موارد موجب ناکارآمدی مولفه های دیگر خواهد شد. فاجعه زمانی رخ می دهد که هر هشت مولفه سست شوند. به اعتبار حرکت ایران براساس چشم انداز ۲۰ ساله و امید به قرارگرفتن در جایگاه نخست منطقه در بسیاری از محورها، ضرورت تدوین این راهبرد، بیش از پیش احساس می شود.

نتیجه گیری

در زمینه درمان و سلامت روحی، متخصصان علوم پزشکی در این نکته هم رای هستند که پیشگیری بهتر از درمان است. به نظر آنها، هزینه

های پیشگیری در یک گستره زمانی چه بسا از درمان بسیار کمتر باشند. بنابراین، در قلمرو فساد اداری نیز همین نکته صادق است. طراحی نظامی فراگیر، که در نفس خود از بروز فساد جلوگیری می کند، ضمن کاهش هزینه های فساد در جامعه، تقویت روح اعتماد و همزیستی میان مردم و دولت، پیشاپیش مانع از سیاه نماییهای مخالفان نظام سیاسی ایران می شود. بر این اساس، تدوین راهبرد پیشگیری از فساد در کشور باید با در نظر گرفتن هفت مولفه اصلی مشتمل بر، تقویت آموزه های دینی، داشتن بخش خصوصی قوی، مشارکت مردمی، ساز و کارهای نهادی مناسب، اصلاح بخش دولتی و پاسخگویی نظام سیاسی صورت پذیرد.

منابع

رفیعیپور، فرامرز (۱۳۸۵) سرطان اجتماعی فساد، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ اول،

عباس زادگان (۱۳۸۳) محمد فساد اداری - دفتر پژوهشهای فرهنگی. آسوسای (۲۰۰۳) رهنمودهای آسوسای برای مقابله با تقلب و فساد- اکتبر

رحیمپور ازغدی، حیدر (۱۳۸۳) تورم اندیشه و تکثر قوانین، جزوه قلی پور، آراین (۱۳۸۵) جامعه شناسی سازمان ها، سمت، تهران، چاپ دوم،

لطیفی. محمد حسین (۱۳۷۶) فساد اداری - انواع گوناگون آن و فرایند های جامع مبارزه با آن، از سلسله مقالات دریافتی در دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی.

فرهادی نژاد. محسن (۱۳۷۶) فساد اداری و شیوه های کنترل آن، از سلسله مقالات دریافتی در دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۴) کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد، نشر گرایش. نادر (۱۳۷۵) فساد اداری، انتشارات وثقی، چاپ اول.

Ades, A and R. Ditella (1996). The Causes Consequences of Corruption: a review of recent Empirical Contributions. IDS Bulletin , Vol, 27. No. 2.

Balkin , J. M. (1999). How Mass Media Simulate Political

Transparency. Cultural Values. Vol 3,issue 4.

Becker , G. S(1994). To Coot Out Corruption , Boot Out Big Government. Business Week January 31.

Bessire , D. (2005). Transparency:A Two-Way Mirror. Intenational journal of Social. conomic. Vol. 32 , no. 5

Blair,R. (2004). publis participation and Community and Development: The role of Strategic. Planning. Public Administration Quarterly. Vol. 28. Issue 1.

Boeninger, E. (1991). Gorernance and Development:Issues and Constraints. Proceedings of the Word Bank Onnual Conference on Development Economics,Washington: World Bank.

Broz, L. (2002). PoLitical System Trans Parency and Monetary Commitment Regimes. Intenational Organization, VoL. 3,N. 4

Caiden,G. (1999). Administrative Reform. Proceed With Caution, Intenational Journal of Public Administration, Vol. 23,No. 6.

Clay, w. (1999). Guiding principles on Civil service reform in africa: an Empirical review. Intenational Journal of Public sector Management, Vol. 11. Issue 7.

Ctterrell, B. E. D. (1995). The Experience of Hong kong in Combating Corruption. Presented at the second Integrity in Government Seminar held in amman, Jordon, 16-17 December.

Findlay. M. and A. Strwart (1992). Implementing Corruption Prevention Strategies through Codes of Conduct, Corruption and Reform.

- Geddes, B. and A. Ribeiro Nato. (1992). Intenational Sources of Corruption in Brazil. Third World Quarterly, Vol. 13.
- Ghartey, James B. (1990) Political Accountability and Development in Third World. Intenational jurnal of public Sector Mngement, Vol. 3, No. 2.
- Gould, D. J. (1991). Administrative Corruption: Incidence, Causes, and Remedial Strategies in a farazmand(eds). Handbook of Comparative and Development public Administration. New York Marcel Decker. Inc.
- Grabosky,P. and p. Larmour ´public Sector Corruption and its Control ´. (12 January 2000).
- htt://www.aic.gor.au>. (12 Agust 2003).
- Grindle,M. S. and M. E. Hilderbrand. (1995). Building sustainable Capacity in the Puble Sector: What Can be Done? Puble Administration and Development. Vol. 15, No. 5.
- Haque z. and j. Moll. (2001). Puble Sector Reform-Implications for Accounting, Accountability and Performance of state-Owned Entities-an Australian Persctive. Intenationaljurnal of public Sector Management; Vol. 14,No. 40.
- Hiusted,B. W. (1994) Honor Among Thieves. Ethics Quarterly. Vol. 1,No. 1.
- Kennedy, E. J. and L. Lauton. (1992)Business Ethies in Fiction. Journal of Business Ethies.
- Klitaard, R. (1991). Adjusting to Reality: Beyond State Versus Market. in economic Development. Intenational Center for Economic Growth. San Francisco,CA.
- Laurian , L. (2004). Public Participation in Environmental Decision Making jurnal of American Planning Association. Vol. 70, issuel.

- Maddock. S and G. Morgan. (1998). Barries to Terancformation. International journal of public Sector Mangement, Vol. in issue 4.
- Mauro,P. (1998). Corruption and to Composition of Government Expenditure. Journal of public Economic. LXIX.
- Noonan, J. T. (1984), Bribes , Univca of California. Berkeley , CA.
- Norah , J. (1999). The Change Mangements Agerida for Primary Heads. International journal of Public Sector Mangement, Vol. in issue 4.
- Penfold. M. (2004). A Private Sector Ararfox Latinfinance , Issue 157.
- Riley. S. (1993). Post-Independence Anti-Corruption Strategles and the Contenporary Effacty of Democratization. Corruption and Reform. Vol. 7, No. 7.
- Riley , S. (1998). The Political Econany of Anti-Corruption Strategles in Africa , European journal of Development Research Vol 10. No. 7.
- Rose-Ackerman , S. (1996). Redesigning the State ro Fight Corruption. Viewpoint (World Bank) , No. 75.
- Rublin, S. j. (1982). International Apects of the Control It licit Payments , Syracuse journal of International Law and Government, Vol. 9.
- Schrupp, L. (2005). A View form the invate Seetor. Special Edition Vol. 14/15, issue 12/1.
- Shleifer , A and M. Vishny. (1993) "Corruption" , Quarierly journal of Economics , Vol , 108. No. B.
- Stapenhurst, F. and p Langseth. (1997) The Role of the Public Administration in fighting Corruption International Journal a Public Sector Mangement , Vol. 10, No. 5.
- Strassman, Jeffrey D and M. Zhamg. (2001). Chinese Administrative Reforms in International Perspective. International Journal of Public Sector Mangement, Vol.

- 14, No. 5.
- Tan A. L. (1995). The Experience of Singapore in Combating Corruption , presented at the Second Integrity in Government Semnar held in Amman , Jordon, 16-17 Decemeber.
- Tanzi, V. and H. Davoodi. (1997). Corruption, Public Investment and Growth, International Monetary Fund Working Paper.

آدرس: تهران
خیابان طالقانی- تقاطع خیابان شهید سپهبد قرنی
سازمان بازرسی کل کشور- طبقه هفتم
مرکز پژوهش و برنامه ریزی
تلفن : ۰۳۲-۶۱۳۶۲

E-mail: Researchcenter.gio@gmail.com

www.gio.ir